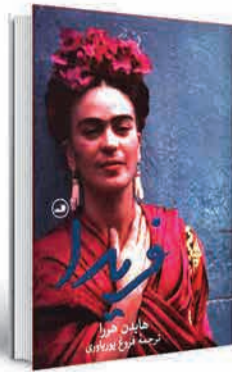


زندگی نامه

نقاش عصیانگر

فریدا کالو، نقاش معروف مکزیک است که سال ۱۹۰۷ متولد شد و سال ۱۹۵۴ درگذشت. او سال ۱۹۵۳ کمتر از یک سال پیش از مرگش نخستین نمایشگاه بزرگ نقاشی‌هایش را در مکزیک برپا کرد. فریدا کالو در جوانی تصادف سختی با خودرو داشت که موجب شد نامزدش از ازدواج با او انصراف دهد. او سال ۱۹۲۹ با دیه‌گو ریورا، نقاش و دیوان‌نگار کمونیست مکزیک ازدواج کرد. فاصله سنی این زوج، ۲۰ سال بود. اشتیاق مفرط ریورا به شهرت، ازدواج او را به بخشی از حوزه عمومی تبدیل کرد و مطبوعات مشتاق، تمام ماجراها، عشق‌ها و جنگ و دعواها و جدایی‌های این دو را با تمام جزئیات توصیف می‌کردند. هایدن هررا درباره شخصیت کالو، در پیش‌گفتار کتاب خود نوشته است: «در گفت‌وگو با کسانی که فریدا را می‌شناختند، مدام با عشق و علاقه مردم به او مواجه می‌شوید. آنها اعتراف می‌کنند که او تلخ و دمدمی مزاج بود. اما اغلب وقتی او را به خاطر می‌آورند، اشک در چشم‌هایشان جمع می‌شود. خاطرات پرشور موجب می‌شود که زندگی او ملامت از شوخی و شکوه باشد. تاسر حد فاجعه. «ماجرای تصادف فریدا مربوط به سال‌های کودکی و سانحه‌ای است که برای آنتونیوس سرویس مدرسه‌اش رخ داد و موجب شده به تعبیر هایدن هررا او در آهن پاره‌ها به سیخ کشیده شود. فریدا کالو در واقع یکی از چهره‌های عصیانگر علیه روابط مردسالارانه بود که توانست به چهره‌ای جهانی تبدیل شود؛ چهره‌ای که با وجود شکست‌های سنگین در زندگی تسلیم نشد و با نوعی زندگی نامتعارف، از تمام آنچه آن را نابرابری‌های زیستن می‌دانست، انتقام گرفت...»



فریدا
نویسنده: هایدن هررا
ترجمه: فروغ پوریاری
انتشارات: ثالث
صفحه ۷۱۰
۱۱۰ هزار تومان

زندگی نامه

مابی‌گناه بودیم

بهرز بوچانی تا همین اواخر، معروف‌ترین نویسنده آثار غیرداستانی استرالیا و جنجالی‌ترین زندانی این کشور بود. او که ۲۶۶۹ روز را در چندین بازداشتگاه پناهندگان دریایی از جمله بازداشتگاه «مانوس» در «پاپوای گینه نو» سپری کرده بود، توانست با استفاده از گوشی‌های همراه قاچاقی، وحشت موجود در بازداشتگاه‌های برون‌مرزی استرالیا را در تاریخ ثبت کند؛ وحشتی که نتیجه سیاست قدیمی و ضد انسانی «ایست دادن به قایق‌ها» است. کتاب او که از طریق پیام واتس‌آپی مخابره شد و در سال ۲۰۱۸ با نام «هیچ دوستی به جز کوهستان» (نوشته‌ای از زندان مانوس) منتشر شد. آزادی بوچانی از طریق دعوت شدنش به شرکت در یک جشنواره ادبی در کرایست چرچ بود که باعث شد ویزای نیوزیلند دریافت کند و برای همیشه از آن محبس مخوف نجات و رهایی یابد. کتابش هم شرح زندگی او در همان جزیره است؛ روایت لحظه‌هایی که در آنها با رها تا دم‌مرگ رفته است. او در واقع با کتابش، صدای تمام پناهجویانی شد که اجازه ورود به کشور مربوطه را نمی‌یافتند و در مناطق دور از دسترس خبری، به جهت سیاست حکومت جان می‌باختند. چنانچه در مصاحبه‌اش باlareviewofbooks نیز گفته بود: «در استرالیا می‌گویند «سیاست» من می‌گویم «سیاست وحشیانه»، «شکنجه سیستماتیک»، «برده‌داری مدرن». هرگز نمی‌گویم وقتی رسیدم به مانوس، می‌گویم وقتی مرا فرستادند به مانوس. در همه این اثرها، مردم بی‌گناه را به تصویر می‌کشم، درست برخلاف تصویری که حکومت خلق می‌کند: آنها می‌گویند «اینها مجرم‌اند» و من می‌گویم که نه، اینها بی‌گناه‌اند، انسان‌اند.»



هیچ دوستی به جز کوهستان
نویسنده: بهروز بوچانی
انتشارات: چشمه
صفحه ۲۴۸
۴۳ هزار تومان

رمان

درختی باریش‌های عمیق

«سپیده سرابی» آرونداتی روی، یکی از نویسندگان و فعالان عرصه حقوق زنان در هند است که با رهاگره‌های افراط‌گرا او را تهدید کرده‌اند. در مصاحبه‌ای با تاگس اشپیکل، وقتی خبرنگار از او می‌پرسد آیا در هند حقوق زنان اهمیت دارد، پاسخ می‌دهد: «در دهکده‌ای که بزرگ شدم، جامعه‌ای بسته تجربه کردم که با من خصمانه برخورد کرد. مادرم با مردی خارج از دهکده ازدواج کرد و سپس طلاق گرفت. دهلی اکنون خانه من است. من درختی هستم که ریشه‌های عمیقی دارد. اما در پاسخ به شما باید بگویم خیر؛ در هند گاو بودن امنیتش بیشتر است تا زن بودن!» این‌طور اظهار نظرها در واقع از او چهره‌ای جنجالی ساخته. هرچند نویسنده‌های چهره دست است. «خدای چیزهای کوچک» هم نخستین رمانش بود و با همین رمان توانست در سال ۱۹۹۸ برنده جایزه ادبی «من بوکر» باشد. مجله تایم او را سال ۲۰۱۴ به عنوان یکی از صد چهره تأثیرگذار سال انتخاب کرد. سپس عمده‌تأملاتی نوشت و از اقلیت‌های پیشینیان کرد و به همین دلیل اغلب با مقامات هندی درگیری می‌شد. آرونداتی روی که او را در هند با گابریل گارسیا مارکز مقایسه می‌کنند، نخستین نویسنده‌ای است که توانست با نخستین رمانش «خدای چیزهای کوچک» در کنار نویسندگان بزرگی چون دیکنز، جویس، فاکتر، گنراد و مارکز قرار بگیرد. رمانی که بلافاصله پس از انتشارش، عنوان پرفروش‌ترین کتاب سال را از آن خود کرد و به صف کلاسیک‌هایی چون «صدسال تنهایی»، «طبل حلبی» و «وخشم و هیاهو» پیوست. «خدای چیزهای کوچک» با زاویه دید پیوسته درحال تغییر و روند غیرخطی روایتش و با نثر جنون‌آمیز شاعرانه‌اش مرز واقعیت و خیال را درهم می‌شکند. این رمان داستان خواهر و برادر دو قلوبی است به نام راحل و استاکه مدام در زمان به‌گذشته (هفت سالگی راحل و استا، ۱۹۶۹) و حال (۳۱ سالگی شان) کشیده می‌شوند. آنها همیشه جملات را از آخر به اول و وارونه می‌خوانند. داستان با ورود سوفی مول دختر دایبی دو قلوبا، در تعطیلات کریسمس از انگلیس به هند، وارد مرحله‌ای می‌شود که زندگی دو قلوباها را برای ابد در بی‌زمانی و بی‌مکانی می‌کند؛ چنان «فردا» بی‌نیامده، آن‌طور که رمان نیز با آن «فردا» تمام می‌شود؛ پایانی که آغازی است دیگر بار در خیابانی که به ازل کشیده می‌شود و تا ابدیت پیش می‌رود. مرگ دختر خاله ۹ ساله و عشقی ممنوع، دنیای کودکی آنان را نابود می‌کند. از طرفی این کتاب سیری است در سرگذشت اندوهناک خانواده‌ای که هنجار شکنی و در برابر قوانین سنتی قد علم می‌کند. خودش در مصاحبه با همان نشریه درباره این کتاب گفته بود: «وقتی با نخستین رمان «خدای چیزهای کوچک» مشهور شدم، ناگهان نقش نویسنده بزرگ کشوری را پیدا کردم که در آن بسیاری از مردم نمی‌توانند بخوانند، بله، در آن بسیاری حتی کافی برای خوردن ندارند.» خودم پرسیدم چگونه می‌توانم از عهده ایفای این نقش برآیم.»



خدای چیزهای کوچک
نویسنده: آرونداتی روی
ترجمه: سرویس نورآبادی
انتشارات: نقش جهان
۱۵ هزار تومان
صفحه ۴۲۲

رمان

روزهای خشونت و خوف

«اشکان رضایی» خبرنگار از مردود ساله‌ای که زمانی رئیس جمهوری کشورش را ترور کرده بود می‌پرسد: «آیا هنوز هم از کشتن دیکتاتور دومینیک خوشحالی؟» ژنرال ایمبرت حالا بعد از سال‌ها پاسخ می‌دهد: «حتما، کسی به من نگفت که او را بکشم. تنها راه خلاصی از دست او کشتنش بود.» این مصاحبه برمی‌گردد به حدود ۸ سال پیش و حالا ایمبرت مرده است. اما بسیاری می‌دانند که رافائل ترخویو در زمان حکومتش در تاریخ جمهوری دومینیک چه‌ها که نکرد. او تحمل هیچ انتقادی را نداشت و کوچک‌ترین اعتراضی با زندان، شکنجه و قتل پاسخ داده می‌شد. ترخویو تا جایی پیش رفت که در سال ۱۹۳۷ دستور قتل عام نژادی هزاران نفر از مردم هائیتی را که در این کشور زندگی می‌کردند، صادر کرد. این دیکتاتور جنایتکار را به لقب «ژنرال» می‌شناختند و ماریو بارگاس یوسا، برنده نوبل ادبیات سال ۲۰۱۰، در رمان درخشان «سورژ» به زندگی او پرداخته است. بخشی از رمان، در تب و تاب ترور می‌گذرد و بخشی دیگر در خاطرات دختری به نام اورانیا، اورانیا دختری چهارده ساله است که پدرش در زمان دیکتاتوری ترخویو عهده‌دار یکی از مقامات حکومتی بود. بعد از ترور نافرجام دیکتاتور، تمام صاحب‌منصبان حکومت در مظان اتهام قرار می‌گیرند. چه کسی در ترور ترخویو دست داشته؟ سوالی است که بازماندگان دیکتاتوری برای یافتن پاسخش از تمام اطرافیان قربانی می‌گیرند. هیچ‌کس در امان نیست و هر کسی راهی می‌یابد تا ارادتش رانسبت به عالی جناب ثابت کند. پدر اورانیا هم از این قاعده مستثنی نیست. او برای اعلام برانگیز شرکت در ترور، بهایی سنگین می‌پردازد؛ بهایی به قیمت دختری چهارده ساله. یوسا در تمام آثارش دو عنصر مهم دارد: خشونت و شهوت، که در بعضی یک عنصر و در برخی دیگر، عنصری دیگر چهره می‌نماید. به عنوان مثال «مرگ در آند» رمانی به شدت خشونت‌آمیز است. انسان‌ها در این رمان تبدیل به حیوانات می‌شوند که وجدان انسانی خود را به مذبح ایدئولوژی برده‌اند. یا رمان «سال‌های سگی» (عصر قهرمان) که روایت زندگی جوانانی در سربازخانه است. مثال دیگر «جنگ آخرالزمان» است. یوسا در این رمان به آخرین بازماندگان دنیای مژدن می‌پردازد. حکومت لیبرال برزیل به جنگ عده‌ای تهیدست و بی‌چیز می‌رود و پس از دو بار شکست، با بی‌رحمی آنها را به خاک و خون می‌کشد. یوسا اعتقاد دارد رمان بدون خشونت و شهوت، فاقد ارزش ادبی است. و البته به این نکته نیز تأکید می‌کند چنان‌که نویسنده حدوداً استفاده از این عناصر را نداند، کیفیت کار از دست می‌رود (عیش مُدام، ماریو بارگاس یوسا، ترجمه عبدالله کوثری، نشر نیلوفر). اما شاید بتوان گفت این دو عنصر به بالاترین میزان، در رمان «سورژ» متجلی شده‌اند. شکنجه متهمان درگیر در پرده ترور ترخویو، یکی از عذاب‌آورترین صحنه‌های تاریخ ادبیات داستانی است و در کنار آن، توصیف هرزه‌گردهای دیکتاتور، پرده از شهوتی سیری‌ناپذیر و حیوانی برمی‌دارد. به این ترتیب، خشونت و شهوت، در «سورژ»، به هم می‌آمیزند و دنیایی تهوع‌آور می‌سازند؛ دنیایی که باورش دشوار است اما زمانی مردمانی در آن می‌زیسته‌اند.



سورژ
نویسنده: ماریو بارگاس یوسا
ترجمه: عبدالله کوثری
انتشارات: علم
صفحه ۶۲۳
۱۲۵ هزار تومان

تأملات

متن‌هایی از محل کار

کانون توجه یازده متن کتاب «اتاق کار»، محل کار است. گروهی از مستعدترین نویسندگان دو ترازه سرا خواننده در این کتاب، در نوعی دفتر کار مجازی، دور هم جمع شده‌اند تا از خودشان یک سوال مشترک بپرسند: الان معنی رفتن سرکار چیست؟ اینجا هم درست مثل زندگی واقعی، هر نویسنده‌ای دفتر کارش را به شکلی متفاوت تزیین کرده است. بعضی‌هاشان سراغ داستان‌سرایی رفته‌اند، بعضی‌هاشان خود زندگی‌نامه و بعضی‌های دیگر شعر. ولی مضمون هر متن همسایه دیوار به دیوار متن بعدی است. این کتاب به شکل خوشه‌هایی متصل به هم ترتیب یافته، به مسائل معاصر چون آموزش، خلق، رقابت و حتی ملال می‌پردازد. این حکایت‌ها گوشه خیابان‌ها و داخل کلاس‌ها، در پارکینگ‌های بزرگ و در بخش خدمات و پشتیبانی فروشگاه‌های اپل می‌گذرند؛ از آنجایی هم که در این دفتر مجازی، نویسندگان نشسته‌اند، یعنی کسانی که بعد از چهار ساعت دچار کم‌کاری یک موضوع بشوند، این دفتر پر از نوستالژی است؛ پر از حسرت روزهای فوت‌فوتی‌های گرم و موکت‌های زبر. البته این موضوع فقط مختص نویسندگان نیست. در ایموجی‌های تلفن همراه‌تان بخش مربوط به وسایل دفتری را که باز کنید، فلاپی دیسک، قلم خودنویس، تلفن‌هایی با دکمه‌های فشاری و جاگارتی چرخان می‌بینید بخشی از همان‌هاست. دلیلش این است که وقتی حواس مان نبود، مزه قهوه سوخته و صدای گیرکردن کاغذ در ماشین فکس با طرمحواره ما از جهان یکی شد. زمان دور چیزهای پیش‌افتاده پیچید و معنا دارشان کرد. این نقوش و معانی را می‌توانید در کتاب «اتاق کار» ببینید و بخوانید.



اتاق کار
نویسنده: منتخب نویسندگان
ترجمه: کیوان سررشته
انتشارات: اطراف
صفحه ۱۷۳
۳۰ هزار تومان

زندگی نامه

زندگی و مرگ نویسنده

کتاب «حرف بز، خاطره» شامل خودزندگی‌نامه بازنویسی شده ولادیمیر ناباکوف، نویسنده سرشناس ادبیات روسیه و یکی از چهره‌های مهم ادبیات قرن بیستم جهان است. او متولد سال ۱۸۹۹ در روسیه بود که سال ۱۹۴۰ به آمریکا مهاجرت کرد و سال ۱۹۷۷ در آنجا درگذشت. ناباکوف را به خاطر رمان‌هایی چون «لولیتا»، «آتش پریده‌رنگ»، «شاه، بی‌بی، سرباز»، «زندگی و مرگ سیاستمدار نایت» و... می‌شناسند. او در کتاب «حرف بز، خاطره» زندگی و جهان اطراف خود را همراه با روایت مهاجرت، عشق و کشف مدام در ادبیات توصیف کرده است. این کتاب برای نخستین بار سال ۱۹۵۱ چاپ شد، اما نویسنده با افزودن مطالبی دیگر به آن سال ۱۹۶۶ دوباره منتشرش کرد. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: «راستش شعر نخستینم ملغمه‌ای رقت‌انگیز بود از عاریه‌های زبانی به علاوه مدولاسیون‌های پوشکینی‌نما. پاره‌های شرم‌آوری بود برگرفته از ترانه‌های کولی‌وار، پیش‌ترها عمه جوان و به نسبت جذابم که می‌توانست درباره قطعه مشهور لونی بویه (آ اون فم) که در آن یک آرشه ویولنی استعاری به‌گونه‌ای نامتجانس گیتاری استعاری می‌نواختند و آثار فراوانی از الا ویلر و یلکاکس که شهبانو و ندیمه‌هایش بسیاری پسندیدند، ساعت‌ها حرف بزنند، این ترانه‌ها را مصراغه در سرم فرو می‌کرد. چندان ارزشی ندارد که اضافه کنم هرچه مضامین پیش می‌رفتند، مرتبه‌ام به معشوق از دست رفته‌ای می‌پرداخت - دلپا، تامارا یا لِنور - که هرگز او را از دست نداده بودم، هرگز عاشقش نبودم، هرگز ندیده بودمش، اما بنا بود بینم، عاشقش شوم و از دست بدهمش.»



حرف بز، خاطره
نویسنده: ولادیمیر ناباکوف
ترجمه: خاطره کرد کریمی
انتشارات: چشمه
صفحه ۳۳۴
۵۳ هزار تومان